

مقایسه‌ای از سوگیری رسانه‌ای در ۸ رسانه غربی در پوشش خبری جنگ غزه

جنایت سانسورکردنی نیست



مانده زمان قسمی

خبرنگار

جنگ‌ها پایان می‌یابند اما روایت‌ها باقی می‌مانند. تیت‌های امروز، کتاب‌های تاریخ فردا را می‌سازند. ثبت شواهد سرگیری رسانه‌ای در زمان حال، تضمین می‌کند که این اتفاقات قابل حذف نیست و اگر رسانه‌ها انتخاب کرده باشند که به یک نسل کشی کمک کنند، در برابر دادگاه افکار عمومی و حتی دادگاه‌های کیفری که می‌توانند آن‌ها را به‌خاطر همدستی مسئول بدانند، با این شواهد روبه‌رو خواهند شد.

مطالعه‌ای که به‌تازگی توسط (MediaBiasMeter)، یکی از پروژه‌های (Tech for Palestine) انجام شده، متن ۵۴ هزار و ۴۴۹ مقاله که طی ۱۰۰ هفته، بین هفتم اکتبر ۲۰۲۳ تا ۸ اگوست ۲۰۲۵، در هشت رسانه بزرگ غربی در آمریکای شمالی وارو یا منتشر شده‌اند، بررسی شده‌است. باوجود تنوع جغرافیایی، زبانی وایدئولوژیک این رسانه‌ها، پوشش خبری آن‌ها الگوی شگفت‌انگیز ثابتی را نشان می‌دهد: تحریف ساختاری روایت نسل کشی در غزه که به‌نفع چهارچوب‌بندی صهیونیست‌ها و به زیان بازنمایی دیدگاه‌های فلسطینی عمل می‌کنند. انتخاب این رسانه‌ها شامل بزرگ‌ترین یا پرخواننده‌ترین رسانه‌ها در هر کشور و بازتاب‌دهنده طیفی گسترده از گرایش‌های تحریری‌ای است:

چپ میانه: لوموند (فرانسه)، اشپیکل (آلمان)

راست میانه: لا لیبر بلژیک (بلژیک)، کوریه دلا سرا (ایتالیا)، گلوب‌اند‌میل (کانادا)

راست یوپولیست: د تلگراف (هلند)

لیبرال / مرکز‌چریان اصلی: نیویورکتایمز (آمریکا)، بی‌بی‌سی نیوز (انگلیس)

نابرابری در تیت‌رها

در کل نمونه‌ها، تیت‌ها به‌شدت بر دیدگاه‌های اسرائیلی تمرکز داشتند. برای مثال در نیویورکتایمز، واژه «اسرائیل» در تیت‌ها ۱۸۶ برابر بیش از «فلسطین» به کار رفته است. هنگامی که از فلسطین نام برده شده، اغلب به‌صورت غیر مستقیم بوده، مثلاً در اشاره به حامیان فلسطین و نه در قالب روایت‌هایی که بر صدای فلسطینیان یا حق حاکمیت آن‌ها تمرکز داشته باشد.

حذف اشغال و زمینه تاریخی

اصطلاحاتی که برای فهم پویایی‌های سـاختار ی جنگ و عدم تقارن قدرت ضروری‌اند، مانند اشغال، شهرک‌های غیرقانونی و محاصره یا حذف شده‌اند یا بسیار کم‌کاربرد بوده‌اند. این روایت، خشونت فلسطینیان را از حق مقاومت ملت‌های تحت اشغال جدا می‌کند و آن را بی‌منطق یا غیرعقلانی جلوه می‌دهد، درحالی‌که خشونت اسرائیل، عدم توازن قدرت و بحران انسانی مداوم در غزه و سراسر فلسطین را پنهان می‌کند.

چهارچوب‌بندی از طریق «تروریسم»

غالب‌ترین قالب‌روایی برای فلسطینیان، تروریسم بوده‌است. اصطلاحات بارداری مانند تروریست یا سازمان تروریستی به‌شدت فراوان بودند و اغلب هویت‌های غیرنظامی و نگرانی‌های انسانی را به‌حاشیه می‌راندند. این چهارچوب تک‌بعدی، کلیشه‌های دیرپای شرق‌شناسانه درباره عرب‌ها و مسلمانان را به‌عنوان مردمانی ذاتاً خشن یا وحشی تقویت می‌کرد و هم‌زمان عملیات نظامی رژیم را به‌عنوان دفاع از خود مشروع جلوه می‌داد.

هیجان زدگی بدون راستی آزمایی

داستان مشهور «پنجه‌های سربریده» نشان می‌دهد چگونه روایت‌های عاطفی قدرتمند می‌توانند استانداردهای روزنامه‌نگاری را کنار بزنند. این ادعا که ابتدا بدون هیچ مدرکی منتشر شد، توسط رژیم صهیونیستی و سیاست‌مداران غربی برای تحریک خشم عمومی و توجیه حملات تلافی جویانه استفاده شد. شکست رسانه‌ها در بررسی مستقل، راستی‌آزمایی یا بعدتر اصلاح این روایت نشان می‌دهد که چگونه انتخاب‌های هیجانی می‌توانند بازنمایی‌های شرق‌شناسانه و غیرانسانی یک‌دک طرف جنگ را تثبیت کنند.

مجموعه این الگوها نشان می‌دهد سوگیری ساختاری در پوشش رسانه‌های غربی درباره غزه، فهم عمومی را تحریف می‌کند: با بزرگ‌نمایی رنج اسرائیلیان، حذف زمینه فلسطینی از جمله حق بازگشت و حق مقاومت و تقویت کلیشه‌ها. این یافته‌ها ضرورت بازنگری عمیق‌تر در شیوه‌های اتاق خبر، چهارچوب‌بندی تحریر‌یه‌ای و مسئولیت اخلاقی رسانه‌ها در شکل دادن به درک جهانی از جنگ و بی‌عدالتی را برجسته می‌کنند.

فلسطین در برابر اسرائیل در تیت‌رها

در تیت‌ها، اسرائیل به‌طور چشمگیری بر روایت مسلط است. در نیویورکتایمز، اسرائیل ۱۸۶ برابر بیش از فلسطین در تیت‌ر ظاهر شده است. روزنامه کانادایی The Globe and Mail با نسبت ۶۶ به یک در جایگاه بعدی است. در سایر رسانه‌ها، اسرائیل ۱۱ تا ۲۶ برابر بیشتر از فلسطین ذکر شده، به جز یک استثنا: کوریه دلا سرا (Corriere della Sera) که این نسبت در آن به ۳ به یک کاهش می‌یابد. اما حتی همان اشاره‌های اندک به فلسطین هم غالباً غیر مستقیم‌اند. پس از بازبینی دستی تیت‌ها روشن شد که نیمی از موارد استفاده واژه فلسطین اصلاً درباره خود فلسطین نیستند، بلکه درباره تظاهرات حامیان فلسطین در کشورهای غربی‌اند. این میان ۹۱ تیت‌ر بی‌بی‌سی که کلمه فلسطین در آن‌ها آمده، ۸۰ مورد درباره Palestine Action، اعتراضات طرف‌دار فلسطین یا گرافیتی Free Palestine بوده و تنها ۱۱ مورد واقعاً درباره خود فلسطین‌اند. به‌طور مشابه، از میان ۶۵ تیت‌ر دتلگراف که واژه فلسطین دارند، ۴۴ مورد درباره حامیان یا اعتراضات حمایت از فلسطین هستند. در نیویورکتایمز، آخرین تیت‌ری که نام فلسطین را به‌کار برده مربوط به ۱۴ می ۲۰۲۴ است: «Free Palestine یعنی چه؟» این روزنامه از اکتبر ۲۰۲۳ فقط ۱۰ بار واژه فلسطین را در تیت‌ر استفاده کرده است. سردبیران شش‌بار ادعا کنند که از نام‌بردن از کشورهای که رسماً توسط دولت آمریکا به رسمیت شناخته نشده‌اند، پرهیز می‌کنند؛ اما این توجیه با یک مثال ساده فرومی‌ریزد: تایوان که آن هم به رسمیت شناخته نشده، در همین دوره بیش از ۸۸ بار در تیت‌ها آمده، آن هم با توجه رسانه‌ای بسیار کمتر.

اسرائیل در برابر فلسطین در تیت‌رو متن

وقتی تیت‌ر و متن با هم شمرده می‌شوند، The Globe and Mail بیشترین عدم تعادل را دارد: اسرائیل ۳۳ برابر بیشتر از فلسطین ذکر شده است. نیویورکتایمز با نسبت ۲۹ به یک در جایگاه بعدی قرار می‌گیرد و روزنامه هلندی د تلگراف

نسبت ۲۷ به یک دارد. در سایر رسانه‌ها، اسرائیل ۲۴ تا ۲۷ برابر بیشتر از فلسطین ذکر شده؛ به جز مورد کوریه دلا سرا که شکاف به نسبت ۵ به یک می‌رسد.

اشاره به «اسرائیلی‌ها» در برابر «فلسطینی‌ها»

در ظاهر، اشاره به «اسرائیلی‌ها» و «فلسطینی‌ها» در تیت‌ر و متن رسانه‌های مورد مطالعه متعادل‌تر به نظر می‌رسد. در همه نشریات، برای هر بار استفاده از «فلسطینی/فلسطینیان»، ۱٫۳۳ بار از «اسرائیلی/اسرائیلی‌ها» استفاده شده است. در نگاه نخست، این نسبت ممکن است نشانه بازنمایی متعادل باشد؛ اما زمینه مهم است. در جنگی که فلسطینیان به‌طور نامتناسب با آوارگی، محاصره و کشتار گسترده غیرنظامیان روبه‌رو هستند، برابری در تعداد واژه‌ها برابر با برابری در روایت نیست. آنچه ظاهرأ «تعادل» به نظر می‌رسد، اغلب توهم است: صدای اسرائیلی‌ها مرتباً برجسته می‌شود، به آن‌ها عاملیت و اعتبار داده می‌شود و روایتشان به‌عنوان صدای مرجع پذیرفته می‌شود، درحالی‌که فلسطینیان اغلب موضوع روایت‌اند، نه زاوی آن، درباره‌شان صحبت می‌شود، نه با آن‌ها.

سوگیری حذف (Omission Bias)

هنگام گزارش دادن در باره شهرک‌نشینان یا شهرک‌های اسرائیلی، بیشتر رسانه‌ها به‌طور مداوم از به‌کار بردن توصیف‌های حقوقی مانند «غیرقانونی» یا «نقض‌کننده حقوق بین‌الملل» خودداری می‌کنند. نیویورکتایمز برجسته‌ترین نمونه است: این روزنامه در ۵۸ مورد به شهرک‌نشینان یا شهرک‌ها اشاره می‌کند بدون آنکه هیچ‌گونه زمینه حقوقی ارائه دهد، در برابر هریک باری که از واژه «غیرقانونی» استفاده کرده است. کوریه دلا سرا با نسبت ۵۳ به یک در رتبه بعدی قرار دارد. در میان بیش از ۵۴ هزار مقاله بررسی شده، فقط سه تیت‌ر عبارت «شهرک‌های غیرقانونی» را به‌صراحت به‌کار برده‌اند (دو مورد در گلوب‌اند میل و یکی در لوموند). اشپیکل هم غالباً از زبان ملایم‌تری مانند «شهرک‌نشینان افراطی» برای پوشش خشونت شهرک‌نشینان استفاده می‌کند؛ عبارتی که رفتاری را توصیف می‌کند اما به وضعیت حقوقی آن اشاره‌ای ندارد. گلوب‌اند میل هم از اصطلاح «شهرک‌نشینان غیرموجه» به‌عنوان جایگزینی نرم‌تر برای واژه «غیرقانونی» استفاده کرده است. نتیجه، یک طرافت تصادفی نیست، بلکه نوعی پاک‌سازی سیستماتیک و نقض‌های حقوق بین‌الملل است: پاک‌سازی که هم غیرقانونی بودن شهرک‌ها و هم پیامدهای مادی آن برای فلسطینی‌ها را پنهان می‌کند.

رسانه‌ها چند بار به «اشغال» اشاره می‌کنند؟

این پژوهش همچنین بررسی‌ای کرده که رسانه‌ها چندبار از اصطلاحاتی مانند «سرزمین‌های فلسطینی اشغالی» یا «کرانه باختری اشغالی» استفاده کرده‌اند؛ یعنی اینکه وضعیت حقوقی سرزمین تحت اشغال نظامی را صراحتاً به رسمیت می‌شناسند یا نه. در اشپیکل این حذف چشمگیرتر است: از میان ۳ هزار و ۱۷۷ اشاره به کرانه باختری یا سرزمین‌های فلسطینی، تنها دو مورد با برچسب «اشغالی» همراه بوده است. این الگو در سایر رسانه‌ها هم دیده می‌شود. فقط در تیت‌ها، واژه «اشغالی» تنها ۲۹ بار ظاهر شده، درحالی‌که همین مناطق هزار و ۱۸۰ بار بدون هیچ اشاره‌ای به اشغال بودن ذکر شده‌اند. در عمل، اشغال نه‌به‌عنوان یک واقعیت حقوقی بلکه به‌عنوان یک صفت اختیاری تلقی می‌شود. درباره قدس شرقی اشغالی، بی‌بی‌سی ۳۵ بار از «اشغالی» استفاده کرده، در برابر ۱۸ بار که بدون اشاره به وضعیت اشغال ذکر شده است.

نکبت

تحلیل پژوهشگران از نحوه استفاده رسانه‌ها از واژه «نکبت» الگوی روشنی از همدلی محدود و گاهی هم روایت‌سازی تجدیدنظرطلبانه یا تحقیرآمیز را نشان می‌دهد. درحالی‌که رسانه‌هایی مانند نیویورکتایمز، بی‌بی‌سی، کوریه دلا سرا، لوموند و گلوب‌اند میل «آوارگی اجباری» فلسطینی‌ها را که به‌فاجعه ۱۹۴۸ انجامید به رسمیت می‌شناسند، بسیاری از موارد استفاده از واژه نکبت همچنان بر زبان خشن یا پوششی تکیه دارند؛ زبانی که آن را «گریز» یا «فن» توصیف می‌کند، نه یک کارزار سازمان‌یافته. اخراج جمعی که توسط صهیونیست‌ها انجام شد، د تلگراف مشکل‌سازترین مورد بود. با تنها ۲۱ اشاره به واژه نکبت در متن اصلی مقالات و هیچ اشاره‌ای در تیت‌ها، این رسانه کمترین پوشش و آشکارترین روایت‌سازی تجدیدنظرطلبانه را ارائه داد. فراتر از اشاره‌های کوتاهی به مراسم روز نکبت در هلند، مقالات آن حمله استعماری را نتیجه پرخاشگری عرب‌ها یا بی‌مسئولیتی فلسطینی‌ها تصویر می‌کرد و یک تراژدی تاریخی را به روایتی از قربانی کردن خویش تبدیل می‌کرد.

تحلیل تطبیقی پوشش رسانه‌ای درباره حق موجودیت

داده‌های زیر بررسی می‌کند رسانه‌های غربی چندباره به‌طور صریح از حق موجودیت اسرائیل در برابر فلسطین در پوشش جنگ و نسل‌کشی غزه یاد کرده‌اند. حق موجودیت تقریباً به‌طور انحصاری مفهومی اسرائیلی تلقی شده است. در تمام رسانه‌هایی که این عبارت در آن‌ها ظاهر شد، حق موجودیت اسرائیل با فاصله‌ای بسیار بیشتر از فلسطین تأیید شده، در برخی موارد، ده‌ها برابر. اشپیکل و نیویورکتایمز افراطی‌ترین موارد بودند:

اشپیکل: ۲۵۶ تأیید برای اسرائیل در برابر ۱۱ برای فلسطینی‌ها.

نیویورکتایمز: ۱۴۹ تأیید برای اسرائیل در برابر تنها ۲ برای فلسطینی‌ها.

موجودیت فلسطین به شکل مشروط روایت شده: گویی فلسطینی‌ها باید وجودداشتن را به دست آورند. در چندین رسانه (بی‌بی‌سی، کوریه دلا سرا، لوموند) فقط یک‌بار به موجودیت فلسطینی‌ها اشاره شده است. وقتی موجودیت یک ملت ذاتاً دفاع می‌شود و موجودیت ملت دیگر تقریباً هرگز به رسمیت شناخته نمی‌شود، نتیجه روشن است: یکی به‌عنوان ملتی با حقوق دیده می‌شود؛ دیگری به‌عنوان مشکلی بدون مشروعیت اخلاقی یا حقوقی برای وجودداشتن.

تروریسم در برابر قحطی

رسانه‌ها چگونه نقض‌های شدید حقوق بشری مانند گرسنگی دادن جمعیت

را پنهان کردند؟ در این پژوهش مقایسه شده که رسانه‌های بزرگ چندبار از واژه‌هایی مرتبط با قحطی و گرسنگی در برابر واژه‌های مرتبط با تروریسم استفاده کرده‌اند (بین دسامبر ۲۰۲۴ تا اگوست ۲۰۲۵). در همه موارد، هر رسانه واژه تروریسم را بیشتر از قحطی به کار برد، حتی زمانی که چندین نهاد سازمان ملل درباره گرسنگی انبوه قریب‌الوقوع در غزه هشدار می‌دادند. در آن دوره، سازمان خواروبار و کشاورزی (FAO)، یونیسف، برنامه جهانی غذا (WFP) و سازمان جهانی بهداشت بارها هشدارهای مشترک منتشر کردند و خواستار مداخله فوری شدند؛ هشدارهایی درباره افزایش مرگ‌ومیر ناشی از گرسنگی، جهش سوءتغذیه و گزارش‌هایی از خانواده‌هایی که روزها بدون غذا می‌ماندند. یک اوج‌گیری محسوس در استفاده از واژه‌های قحطی و گرسنگی در ژوئیه رخ داد، زمانی که تصاویر نوزادان به‌شدت نحیف‌شده در شبکه‌های اجتماعی پخش شد.

باین حال حتی در آن زمان، نیمی از رسانه‌ها (بی‌بی‌سی، لوموند، د تلگراف) همچنان واژه تروریسم را بیشتر از واژه‌های مرتبط با گرسنگی جمعی به کار بردند. واژه‌های مرتبط با تروریسم سه برابر بیشتر از واژه‌های مرتبط با قحطی در لوموند، اشپیکل و دتلگراف استفاده شدند و دو برابر بیشتر در نیویورکتایمز و بی‌بی‌سی. حتی درحالی‌که یک قحطی انسانی ساخت در برابر چشمان جهان در حال رخ‌دادن بود، بخش بزرگی از رسانه‌ها همچنان روایت‌های آمیتی را بر روایت‌های انسانی ترجیح دادند، عملیات نظامی اسرائیل را موجه و اجتناب‌ناپذیر جلوه‌دادند و بدین ترتیب به طبیعی‌سازی شرایطی کمک کردند که خود موجب تشدید قحطی شدند.

رسانه‌های غربی چندبار پوشش غزه را به تروریسم ربط دادند؟

برچسب‌زدن یک ملت به‌عنوان تروریست، یکی از قدرتمندترین شکل‌های انسان‌زدایی است. این کار تنها محکوم‌کردن یک عمل نیست؛ بلکه انسانیت کسانی را که به آن عمل مرتبط معرفی می‌شوند پاک می‌کند. این قالب‌بندی فلسطینیان به‌عنوان تروریست در خلأشکل نمی‌گیرد؛ بلکه برده‌ها، کلیشه‌سازی جاثقاده تکیه دارد که اعراب و مسلمانان را از شرورهای هالیوودی گرفته تا فهرست‌های مراقبت فرونگاهی و پروفایل‌سازی نژادی پلیس، غیرمنطقی، عصبانی و مستعد خشونت تصویر کرده است.

وقتی بسامد واژگان Terrorist, Terrorism, Terror(s) بررسی‌شده، بی‌بی‌سی و لوموند مهاجم‌ترین رسانه‌ها در استفاده از قالب تروریسم هستند:

بی‌بی‌سی: شمار واژه‌های مرتبط با تروریسم برابر است با ۶۶ درصد از کل مقالات منتشرشده درباره نسل‌کشی غزه. **لوموند:** حتی بالاتر، ۶۹ درصد، به این معنا که بیشتر پوشش آن از غزه‌از فیلتر ضدتروریسم عبور می‌کند.

حتی رسانه‌های میانه‌رو هم به‌شدت به این قالب تکیه دارند: نیویورکتایمز، اشپیکل و گلوب‌اند میل در محدوده ۴۰ تا ۴۵ درصد قرار می‌گیرند.

وقتی تقریباً هر سه مقاله یک‌بار کلیشه تروریست را بازتولید می‌کند، خواننده به‌طور ناخودآگاه قالب‌بندی فلسطینیان را معتدأ به‌عنوان تهدید درونی‌سازی می‌کند نه قربانی، و اقدامات نظامی اسرائیل را پاسخ می‌بیند، نه‌هتاج، مردم صرفاً تحت‌تأثیر قرار نمی‌گیرند بلکه شرطی می‌شوند تا زندگی فلسطینی را از درپچه تهدید ببینند. حتی بدون دخالت‌دادن نظرات تحلیلی، تکرار این واژگان به‌مثابه تبلیغات از طریق انباشت عمل می‌کند. وقتی گروهی یک‌بار به‌عنوان تروریست قالب‌بندی شود، زندگی‌شان دیگر برپایه‌حق و کرامت نمی‌فهمی‌شود، بلکه صرفاً می‌گیرد. این کار وجدان کسانی را که به آن‌ها آسیب می‌زند آرام می‌کند و حس همدلی ناظران را بی‌حس.

نوزادان سربریده

داستان نوزادان سربریده به یکی از قدرتمندترین ابزارهای دستکاری احساسی در اوایل پوشش رسانه‌ای نسل‌کشی غزه بدل شد. این داستان رویدادهای هفتم اکتبر را نه به‌خشی از یک مبارزه سیاسی گسترده‌تر یا یک کارزار ضداستعماری، بلکه عملی از سسر بربریت ناب‌قالب‌بندی کرد، با قراردادن یک جنایت تأیید نشده در مرکز روایت و تکرار آن بدون بررسی، رسانه‌های بزرگ چهارچوب اخلاقی ساختند که در آن انتقام‌گیری اسرائیل نه‌تنها موجه، بلکه از نظر اخلاقی ضروری جلوه می‌کرد. خود جبارت «نوزادان سربریده» عمداً برای شوکه و فلج کردن توان تحلیل طراحی شده بود. زیر این عبارت کلیشه قدیمی ما (اسرائیل/غرب) در برابر آن‌ها پنهان بود. نسخه‌ای شرق‌شناسانه از عرب بربر، بازآفرینی شده از کلیشه تروریست، با هدف القای این تصور که خشونت فلسطینیان به طرز ی منحصر به‌فرد غیرانسانی است.

رسانه‌ها چندبار از واژه حملات دقیق استفاده کردند؟

در میان هشت رسانه تحلیل‌شده، اشاره به‌عبارتی مانند precision strike(s) یا targeted strike(s) یا surgical strike(s) اصطلاحاتی که معمولاً مقامات صهیونیست برای القای دقت جراحی‌گونه و خویشن‌داری اخلاقی در جنگ به کار می‌برند، با بسامدی قابل توجه دیده شد.

نیویورکتایمز: ۶۸ بار استفاده، در صدر قرار دارد.

د تلگراف و بی‌بی‌سی: ۳۸ و ۳۴ مورد در رتبه‌های بعدی‌اند.

گلوب‌اند میل و لوموند: هر یک ۲۸ بار.

اشپیکل: ۲۶ بار.

لا لیبر بلژیک و کوریه دلا سرا: به ترتیب ۲۳ و ۲۱ بار.

با وجود آمار عظیم تلفات غیرنظامی ده‌ها هزار شهید، استفاده گسترده از حملات دقیق نشان می‌دهد که رسانه‌ها آگاهانه از زبانی استفاده می‌کنند که ابتکار آن از سوی مقامات صهیونیست برای پاک‌سازی روایت و القای دقت است، حتی زمانی که شواهد میدانی چیزی جز بمباران بی‌رویه نشان نمی‌دهند.

رسانه‌های غربی چندبار از اصطلاح سپر انسانی استفاده می‌کنند؟

بررسی شده که هر رسانه چندبار از واژه سپر انسانی یا سپر‌های انسانی استفاده کرده است. نتایج نشان می‌دهد اتهامی که از سوی مقامات صهیونیست علیه فلسطینی‌ها مطرح می‌شود، به‌طور گسترده در مطبوعات غربی تکرار شده، آن هم اغلب بدون هیچ‌گونه راستی‌آزمایی.

نیویورکتایمز بیشترین استفاده را داشته: ۱۷۶ بار.

پس از آن گلوب‌اند میل با ۹۸ بار.

بی‌بی‌سی و اشپیکل به ترتیب ۸۱ و ۷۵ بار.

کوریه دلا سرا و د تلگراف این عبارت را ۵۹ و ۵۷ بار به کار برده‌اند.

لا لیبر بلژیک و لوموند کمی پایین‌تر بودند: ۵۳ و ۵۴ بار.

تداوم چنین واژگانی در همه رسانه‌ها نشان می‌دهد روایت سپر انسانی عملاً به یک چهارچوب پیش‌فرض در گزارشگری تبدیل شده، چهارچوبی که مسئولیت کشتار غیرنظامیان را از رژیم دور می‌کند و بر دوش حساس می‌گذارد. این موضوع از مهم‌ترین خطوط تبلیغاتی صهیونیست‌هاست که دیده شده هر هشت رسانه حتی آن را در تیت‌رها هم به کار برده‌اند.

روایت دفاع از خود اسرائیل

یک چهارچوب توجیه‌گر ثابت در رسانه‌های غربی. در این پژوهش بررسی شده که رسانه‌ها چندبار از اصطلاح دفاع از خود در پوشش خبری استفاده کرده‌اند. نتایج نشان‌دهنده یک الگوی زبانی قدرتمند و تثبیت شده است، به‌ویژه هنگامی که به اقدامات نظامی اسرائیل اشاره می‌شود. تعداد استفاده رسانه‌ها از عبارت دفاع از خود:

اشپیکل: ۲۹۲
نیویورکتایمز: ۲۴۳
گلوب‌اند میل: ۱۷۳
بی‌بی‌سی: ۱۲۹
لوموند: ۹۵
د تلگراف: ۹۳
کوریه دلا سرا: ۵۷
لا لیبر بلژیک: ۵۵

این برای برداشت عمومی چه معنایی دارد؟

تکرار مداوم روایت دفاع از خود برای صهیونیست‌ها، یک سپر اخلاقی و حقوقی در گفتمان بین‌المللی ایجاد می‌کند و مخاطب را آماده می‌سازد که خشونت دولتی رژیم را واکنشی، ناگزیر و در نتیجه مشروع ببیند، حتی بدون ذکر صریح مهاجم، این عبارت بلافاصله نقش‌ها را تعریف می‌کند: کشگر = مدافع

طرف مقابل = مهاجم
مرگ غیرنظامیان = ضرورت ناخواسته

چرا این موضوع مهم است؟

روایت دفاع از خود خصوصاً هنگامی که برای فلسطینی‌ها به‌طور برابر به کار نمی‌رود، به‌عنوان یک پوشش زبانی برای خشونت دولتی عمل می‌کند. بحث را از این پرسش که آیا این اقدام توجیه‌پذیر است؟ به این پرسش منحرف می‌کند که پس دیگر چه کار باید می‌کردند؟ در واقع، روایت دفاع از خود صرفاً رویدادها را توصیف نمی‌کند؛ آن‌ها را اخلاقی‌سازی می‌کند.

در حقوق بین‌الملل، بر اساس رأی سال ۲۰۰۴ دیوان بین‌المللی دادگستری، رژیم صهیونیستی اصلاً نمی‌تواند به حق دفاع از خود استناد کند، زیرا این حق تنها در برابر حمله یک دولت علیه دولت دیگر قابل اعمال است. باین حال، رسانه‌ها این تفسیر کارشناسانه حقوق بین‌الملل را نادیده می‌گیرند و سخنان مقامات صهیونیست را به‌عنوان یک حق گزارش می‌کنند. از تکرار مداوم این مفهوم، تبلیغات رژیم تبدیل به واقعیت می‌شود و این روند افکار عمومی را شرطی می‌کند که تشدید خشونت علیه مردمی محاصره شده تحت اشغال را نه به‌عنوان یک تجاوز استعماری، بلکه به‌عنوان اقدامی حفاظتی بپذیرند؛ روندی که در نهانیت خشم عمومی را کند و وضعیت موجود را تقویت می‌کند. در پایان باید گفت یکی از چشمگیرترین یافته‌های این پژوهش آن است که گرایش سیاسی یک رسانه، چه چپ، چه میانه، چه راست به‌طور قابل اِستمدادی میزان جانب‌داری آن در پوشش نسل‌کشی غزه را پیش‌بینی نمی‌کند. در واقع، چندرسانه راست‌گرا از همتایان میانه‌رو یا چپ میانه خود خویشن‌داری بیشتری نشان دادند. با اختصاص یک امتیاز جانب‌داری از یک تا ۸ برای هر بیش، به‌طوری‌که بالاترین عدد بیانگر بیشترین جانب‌داری است و سپس جمع‌زدن این امتیازها، این نتیجه به دست آمد که نیویورکتایمز، اشپیکل، گلوب‌اند میل و بی‌بی‌سی چهار رسانه‌ای هستند که بالاترین میزان جانب‌داری از رژیم صهیونیستی را نشان داده‌اند، حتی بیشتر از روزنامه راست‌یوپولیست دتلگراف. این الگو ممکن است یک تناقض در جایگاه‌گیری اخلاقی را بازتاب دهد: رسانه‌های میانه‌رو چپ‌گرا که مخاطبان‌شان احتمال بیشتری دارد اخلاقی بودن اقدامات صهیونیست‌ها را زیر سؤال ببرند، به‌نظر می‌رسد برای حفظ تصویری پاکیزه و قابل‌قبول از اسرائیل نزد خوانندگان‌شان، انتقاد را تعدیل کرده یا روایت‌های صهیونی را اتخاذ می‌کنند. یک توضیح محتمل این است که رسانه‌های راست‌گرا فرض می‌کنند مخاطبان اصلی‌شان پیشاپیش دیدگاه‌های تثبیت شده‌ای درباره این جنگ دارند و بنابراین انگیزه کمتری برای کنترل آشکار روایت دارند. در مقابل، رسانه‌های میانه‌رو و لیبرال که اغلب به‌عنوان داوران تعادل اخلاقی شناخته می‌شوند، ممکن است تلاش بیشتری به کار گیرند تا تصویری رژیم را به نام بی‌طرفی محافظت و ترمیم کنند. فراتر از این تفاوت‌ها، الگو در سطح کلان کاملاً آشکار است: پوشش رسانه‌های غربی در باره فلسطین به‌صورت ساختاری جانب‌دارانه باقی مانده است. ابعاد بنیادین تجربه فلسطینی یعنی اشغال مداوم، آوارگی گسترده و ریشه‌های تاریخی ستم، مرتباًکنگ یا حذف می‌شوند، درحالی‌که روایت‌های صهیونیستی غالب هستند. صدای صهیونیست‌ها روایت‌ها را هدایت می‌کند، تلفات رژیم تیت‌ر اصلی است و اقدامات نظامی آن‌ها بارها به‌عنوان واکنش مشروع قالب‌بندی می‌شود. حاصل نهایی، بازنمایی نادرستی است که فلسطینی‌ها را غیرانسانی می‌کند و خشونت دولتی علیه جمعیتی بومی، محاصره‌شده و تحت اشغال را در قالب «دفاع از خود» بازتربیف می‌کند. این تحریف صرفاً اطلاعات غلط تولید نمی‌کند، بلکه سیاست را جهت می‌دهد، خشم عمومی را کند می‌کند و بی‌عدالتی را عادی می‌سازد.

این نه جانب‌داری یک اتاق خبر، بلکه یک وضعیت نهادی در روزنامه‌نگاری غرب است که همچنان واقعیت رنج فلسطینی و عدم تقارن این جنگ را پنهان نگه می‌دارد.